

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

3 - جواب مختصّ به روایت دوم: شما گفتید که در روایت دوم در این «دعی الصلاة...»، نهی به صلاة تعلّق گرفته است و این نهی هم مولوی است و باید متعلّق این نهی، مقدور برای مکلف باشد؛ و بعد گفتید: اگر مراد از صلاة، صلاة صحیح باشد، صلاة صحیح مقدور زن حائض نیست؛ پس باید مراد از این صلاة اعمّ از صحیح و فاسد باشد.

جواب آخوند: این که شما شنیدید متعلّق تکالیف باید مقدور مکلف باشد صحیح است، ولی این در موردی است که تکلیف، مولوی باشد؛ ولی در مواردی که امر و نهی ارشادی باشند این جا دیگر چنین شرطی نیست و در موارد ارشادی لازم نیست که متعلّق، مقدور مکلف باشد.

در این روایت، ظهور نهی در ارشادی بودن است، یعنی: شارع که می گوید: دعی ... در مقام ارشاد زنها است به این که شما در ایام حیض، قدرت بر نماز صحیح ندارید؛ و لذا متعلّق - صلاة - در این روایت، خصوص نماز صحیح است و نهی هم ارشادی است و در نهی ارشادی لازم نیست که متعلّق، مقدور مکلف باشد.

اشکال: اگر اشکال شود که ما وقتی با نهی یا امری در روایتی برخورد کردیم و شك کردیم آیا مولوی است یا ارشادی؟ اصل اولی و قاعده این است که مولوی است، چون که از شارع صادر می شود. شما چه جوابی از این قاعده می دهید؟ ما در روایت فوق می گوئیم: مقتضای قاعده، مولویّت نهی در روایت است.

جواب: اگر این نهی بخواهد نهی مولوی باشد يك نالی فاسد دارد که اگر کسی ارکان و سایر اجزاء نماز را اتیان کرد یا کسی صورت نماز را آورد - یعنی: يك نمازی که نسبت به بعضی الأجزاء آن اخلال وارد کرده ولی صورتاً در عرف به آن نماز می گویند - و اگر زن در زمان حیض، صورت نماز را آورد لازمه مولویّت نهی در اینجا است که این کار این زن حرام به حرمت ذاتیه است.

دو جور حرمت داریم:

1 - **حرمت ذاتی:** آن جا است که در باطن يك فعلی و ذات آن فعل، مبعوضیت برای مولی هست و در باطن آن فعل مفسده وجود دارد، مثل: شرب خمر؛ و حرمتی که به شرب خمر تعلّق گرفته است، حرمت ذاتی نام دارد.

2 - **حرمت تشریعی:** فعل ذاتاً مفسده ندارد و در ذات فعل چیزی که مبعوض مولی باشد نیست، بلکه از جهت تشریع حرام شده است، مثل: روزه گرفتن روز عید فطر که ذات روزه، مفسده ندارد؛ ولی اگر روزه را به قصد قربت انجام دادیم حرام به حرمت تشریعی می شود.

اگر نهی در این روایت را مولوی بگیریم، لازمه‌اش این است که اگر کسی نماز کاملی را اتیان کرد و یا نمازی آورد که صورت نماز را دارد ولی اخلاص به بعضی اجزاء و شرایط کرده و در عین حال در عرف به آن نماز گفتند، مثلاً زن حائض صورت نماز را انجام داد و قصد قربت هم نکرد تا حرمت تشریعی ایجاد نکند؛ اگر این نهی در روایت، مولوی باشد باید بگوییم این زن يك فعل حرام به حرمت ذاتی انجام داد، در حالی که گمان نمی‌کنم که اعمی ملتزم به این مطلب شود که اگر زن، بدون قصد قربت ایستاد و صورت نماز را انجام داد يك حرام ذاتی مرتکب شده باشد. البته مرحوم مشکینی در حاشیه آورده است که مشهور التزام به حرمت ذاتی در این مورد دارند تا چه رسد به اعمی، لکن بعد از تتبع روشن شد که مشهور حرمت ذاتی را قبول ندارند. آری، اگر با قصد قربت انجام دهد، حرمت تشریعی در کار است. البته برخی قائل هستند که در همین صورت، هم حرمت تشریعی وجود دارد و هم حرمت ذاتی.

5 - تمسک بن یک مسأله فقهی مرکب از دو مقدمه

دو مطلب، متسالم‌علیه و اجماعی بین الفقهاء است.

مطلب اول: ما یک سری عبادات داریم که از آنها به عبادات مکروهه تعبیر می‌کنیم، مثل: خواندن نماز در حمام.

اجماعی است بین فقهاء که اگر شخصی - مثل نماز در حمام - ترك نماز مکروهی را، بالاجماع این نذرش منعقد است، یعنی: تمام شرایط نذر موجود است.

مطلب دوم: این نذرکننده اگر بعد از نذرش در حمام نماز خواند، نذرش را حنث کرده و با نذرش مخالفت کرده است.

اعمی می‌گوید: اگر بگوییم که لفظ صلاة برای صلاة صحیح وضع شده است دو تالی فاسد دارد:

1 - **تالی فاسد اول:** لازم می‌آید که هیچگاه حنث نذر محقق شود، زیرا اگر شخصی ترك نماز در حمام را نذر کرد، این ترك نماز، متعلق نذر واقع می‌شود و وقتی که ترك نماز، منذور واقع شود و واجب شد، فعل نماز، حرام می‌شود؛ زیرا نهی به خود نماز تعلق پیدا می‌کند و نهی در عبادات هم مستلزم فساد است.

بنابر این چنین شخصی که در حمام نماز می‌خواند، نماز فاسد را اتیان کرده است و بنابر قول صحیحی با نذر خوش مخالفت نکرده است؛ زیرا بنابر قول صحیحی که لفظ صلاة برای نماز صحیح است آنچه را که نذر کرده بود ترك نماز صحیح بود و حال آنکه آنچه را که اتیان کرد و انجام داده است نماز فاسد است. بر این اساس منذور را و - که ترك نماز صحیح است - شکسته نشده و نذر او نباید حنث شود - بنابر قول صحیحی -، در حالیکه اجماعی است که حنث نذر محقق شده است.

2- **تالی فاسد دوم:** اعمی می‌گوید: اصلاً این مستلزم محال است و از وجود این نذر، عدم وجود این نذر و از صحت این نماز، فساد این نماز لازم می‌آید.

بیان محال: این شخص، ترك نماز را نذر کرده است و صحیحی می‌گوید که صلاة برای نماز صحیح وضع شده است، پس ترك نماز صحیح را نذر کرد و نیز صحیحی می‌گوید که این نذر، منعقد است. انعقاد نذر شرطش این است که متعلق نذر مقدور مکلف باشد. متعلق نذر در این جا ترك نماز صحیح است و وقتی ترك نماز صحیح واجب شد، آوردن نماز صحیح، حرام می‌شود و نماز صحیح متعلق نهی می‌شود، و نهی در عبادات مستلزم فساد است؛ پس نماز صحیح را اگر در حمام آورد فاسد است.

از اینجا عدم صحّت نماز با فرض صحّت نماز لازم می‌آید؛ زیرا در فرض چنین نذری و اتیان نماز در حمّام، نهی به نماز صحیح تعلّق گرفته و نهی در عبادات هم مستلزم فساد است.

بنابراین اعمّی می‌گوید: برای این‌که گرفتار این تالی فاسدها نشویم باید بگوییم: این نمازی که ترك آن نذر شده است، فقط نماز صحیح نیست.

جواب آخوند از دلیل پنجم اعمّی‌ها:

جواب اوّل: ما اگر این دو اشکال شما را وارد بدانیم و تمام دلیل شما را بپذیریم؛ اشکال ما این است که این مطلب، ادعای شما را اثبات نمی‌کند و این دو اشکال تنها اثبات می‌کند که در موردی که شخصی ترك نماز در حمّام را نذر کرده است محال است که متعلّق نذر، صلاة صحیح باشد؛ ولی این چه ارتباطی با بحث ما دارد؟ زیرا بحث ما در مقام وضع است که شارع وقتی صلاة را وضع کرد، آیا برای صحیح وضع کرد یا برای اعمّ؟ و حال آنکه شما می‌گویید: ناذر وقتی نذر کرد، محال است که متعلّق نذرش صلاة صحیح باشد.

جواب دوّم: اصلاً ما این امتناع را و این‌که می‌گویید ممتنع است متعلّق نذر، ترك نماز صحیح باشد، قبول نداریم.

ما دو جور صحیح داریم:

1- صحیح بالفعل و از تمام جهات (صحیح مطلق).

2- صحیح مشروط.

اگر بگوییم مراد از صحّت، صحّت مطلق است یعنی: با تمام شرایط و حتی با در نظر گرفتن خود نذر باشد، در این‌جا حنث تحقق پیدا نمی‌کند و انجام دادن نماز صحیح مطلق در حمّام با تمام جهات و شرایط و با توجّه به نذر، محال است و امکان ندارد تحقق پیدا کند.

ولی اگر گفتیم مراد از صحیح، صحیح مشروط است به اینکه صحیح است اگر نذر نباشد، در اینجا اگر نماز را آورد موجب حنث می‌شود و حنث تحقق پیدا می‌کند. پس بنابر این معنا با فرض وجود صحّت، عدم صحّت لازم نمی‌آید.

خلاصه بحث: تا این‌جا بحث در الفاظ عبادات تمام شد. خلاصه نظریه آخوند در الفاظ عبادات این شد که الفاظ عبادات برای يك معنای صحیح وضع شده‌اند.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين